

در باره زندگی رفیق شهید مهرداد شاهمرادی



چریک فدائی خلق رفیق مهرداد شاهمرادی در روز چهارم آبان سال ۱۳۴۲ در شهرستان قصرشیرین در یک خانواده متوسط دنیا آمد. ۱۵ ساله بود که موج های بزرگ و شورانگیز انقلاب سراسر ایران را فرا گرفت. یکی از نتایج طبیعی امواج عظیم انقلاب مردم در سال های ۵۶ و ۵۷، شکاف انداختن در سد دیکتاتوری حاکم بود. امری که باعث شد آثار و نشریات انقلابی و مارکسیستی به راحتی توزیع و در دسترس مبارزین بیشتری قرار بگیرد. به خصوص آثار و نشریات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که به اعتبار ۸ سال مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه از محبوبیت فراوانی در سطح جامعه و بویژه در میان نسل جوان برخوردار بود.

این آثار به یک سری از پرسش های جوانانی پاسخ می داد که به دلیل شرایط انقلابی ای که جامعه را فرا گرفته بود، دسته دسته به انقلاب می پیوستند. به همین دلیل هم رفیق مهرداد در حالی که با شور و شوقی وصف ناپذیر در اعتراضات خیابانی آن زمان شرکت می کرد، با جدیت تمام به مطالعه و بالا بردن آگاهی خود برخاست. مطالعه آثار مارکسیستی و انتشارات سازمان فدائی به او امکان داد که با کمک دوستان نزدیکی که پیدا کرده بود به هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق برخیزد. در این زمان او دانش آموزی بود که بی مهابا به دریای انقلاب پیوسته بود تا در مدرسه انقلاب، آموزش انقلابی ببیند. با قدرت گیری جمهوری اسلامی و عدم پاسخ گوئی رژیم جدید به خواست ها و مطالبات توده های ستمدیده که اساسا کارگران و زحمتکشان برای رسیدن به آن ها به انقلاب برخاسته بودند، بار دیگر ضرورت مقابله با دار و دسته ای که انقلاب مردم را "ملاً خور" کرده بودند با برجستگی در مقابل مردم ستمدیده و نیرو های آگاه جامعه قرار گرفت.

دار و دسته ای که هنوز پایه های قدرت خود را محکم نکرده بود، نورو سنندج را به خون کشید و خلق گُرد را آماج یورش ددمنشانه خود قرار داد. همین واقعیت جدا از همه نشانه های دیگر به نیرو های انقلابی نشان می داد که قیام بهمن که اوج انقلاب شان در آن سال ها بود، شکست خورده و مردم ما باید خود را برای نبرد های بزرگ آینده آماده سازند. به همین دلیل هم در هر گوشه کشور شاهد مبارزات و اعتراضات مردم علیه حاکمیت جدید بودیم. در همین رابطه هم قصر شیرین یعنی شهر زادگاه رفیق مهرداد شاهد میتینگ ها و تظاهرات گوناگون اقبال مختلف مردم، نظیر تجمعات اعتراضی دیپلمه های بیکار و اعتراضات دانش آموزان مدارس بود که رفیق مهرداد فعالانه در آن ها شرکت می نمود.

متاسفانه در آن زمان در راس سازمان چریکهای فدائی خلق مارهای خوش خط و خالی نشسته بودند که مسئله شان نه تداوم انقلاب برای رهائی کارگران و زحمتکشان و دستیابی به مطالبات اساسی توده ها بلکه مماشات با دار و دسته تازه به قدرت رسیده و گرفتن مزایائی حقیر از قدرت حاکم ، یعنی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بود. به همین دلیل هم رهبران آن سازمان به بهانه "ملی" و "ضد امپریالیست" بودن دار و دسته خمینی -که اتفاقا از سوی امپریالیست ها برای سرکوب انقلاب به قدرت رسیده بودند- به پشتیبانی از این دار و دسته جنایتکار برخاسته و در مقابل خواست های کارگران و خلق های تحت ستم قرار گرفتند. سیاستی که در آن زمان به رسواترین شکلی در جنبش خلق کرد خود را بروز داد.

در چنین فضای ملتهب و حساسی بود که با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق ایران، هواداران آگاه سازمان که مخالف سیاست های مماشات جویانه رهبری اپورتونیست این سازمان بودند به هواداری از چریکهای فدائی خلق و راه و آرمان های فداییان واقعی برخاستند. رفیق مهرداد یکی از همین انقلابیون راستین بود. کمونیست هائی که بدون آن ها امکان رهائی از وضع ظالمانه حاکم وجود ندارد.

رفیق مهرداد که دوران ابتدایی و راهنمایی را در قصر شیرین گذرانده بود با شروع جنگ امپریالیستی ایران و عراق همراه با خانواده خود مجبور به ترک زادگاه خود -قصر شیرین- و رفتن به کرمانشاه شد. اما این جا به جایی اجباری به وی امکان داد تا در ارتباط هر چه نزدیک تری با تشکل هواداران چریکهای فدائی خلق در کرمانشاه قرار گیرد که اساسا حول زنده یاران، برادران کریمی شکل گرفته بود. انقلابیون جان باخته ای که آوازه مقاومت های شان در زندان دیزل آباد کرمانشاه در سال های اولیه دهه ۶۰ هنوز هم الهام بخش زندانیان سیاسی آن دوران می باشد.

با استقرار رفیق مهرداد در کرمانشاه، وی که سال چهارم دبیرستان را طی می کرد، به خاطر مبارزات سیاسی اش در سال ۱۳۵۹ از دبیرستان اخراج شد. اما این اخراج تنها اراده اش را برای تداوم مبارزه صیقل داد و تجربه او را فزونی بخشید. رفیق مهرداد در طول این دوران تا مقطع یورش سراسری جمهوری اسلامی در سال ۶۰ ، به سازمان های انقلابی و توده های به پا خاسته لحظه ای از مبارزه علیه استبدادی که می رفت تا هر صدای اعتراض را در گلو خفه سازد، باز نماند. سرانجام این رفیق در اسفند ۱۳۶۰ توسط سپاه پاسداران اسلام آباد غرب دستگیر شد و چند ماهی را در زندان آن جا سپری کرد و پس از آن وی را به بازداشتگاه "کرد غرب" انتقال دادند. مجددا بعد از چند ماه او را به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل کردند؛ جایی که بقیه یارانش در چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی اسیر بودند.

در زندان رفیق مهرداد خود را در میدان جدیدی از مبارزه دید که گرچه در باره اش کتاب ها و جزواتی خوانده بود اما خود تجربه عینی ای از آن نداشت. در این مرحله سرنوشت ساز نیز وی حال می بایست به عنوان دانش آموزی در دانشگاه انقلاب، به رغم همه درد ها و رنج ها، این دوره را هم با افتخار از سر بگذراند. و به راستی که این کمونیست جوان چه قهرمانانه از این آزمایش بزرگ گذر کرد. مقاومت های رفیق مهرداد شاهمردادی در زیر شکنجه های مزدوران جمهوری اسلامی، زبان زد یارانش شد و سرانجام مزدوران جمهوری اسلامی که نتوانسته بودند قامت او را در زیر شکنجه در هم شکنند، در نهم مرداد سال ۶۱ او را همراه با تعدادی از انقلابیون در بند زندان دیزل آباد کرمانشاه تیرباران نمودند.

به این ترتیب چریکهای فدائی خلق یکی از یاران صدیق و آگاه خود را برای همیشه از دست دادند. کمونیستی که با زندگی و مقاومت اش به کارگران و انقلابیون آموخت که چگونه باید عمل و زندگی کنند.

یاد رفیق مهرداد شاهمرادی گرامی و راهش پر رهرو باد!